به نام یزدان پاک

همه سوال‌های کارشناسی ارشد

روان شناسی عمومی

۱۴۰۵-۱۴۰۴

گردآورندگان
گروه مولفین پردازش

فهرست مطالب

پیش گفتار ۷

آزمون کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی ۱۴۰۴

علم‌النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی ۱۱
پاسخ‌نامه علم‌النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی ۱۳
درسنامه مروری علم‌النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی ۲۶
آمار و روش تحقیق ۳۱
پاسخ‌نامه آمار و روش تحقیق ۳۲
درسنامه مروری آمار و روش تحقیق ۵۰
روان‌شناسی مرضی و کودکان استثنایی ۵۳
پاسخ‌نامه روان‌شناسی مرضی و کودکان استثنایی ۵۵
درسنامه مروری روان‌شناسی مرضی و کودکان استثنایی ۷۰
روان شناسی رشد ۷۳
پاسخ‌نامه روان شناسی رشد ۷۵
درسنامه مروری روان شناسی رشد ۹۳
روان شناسی عمومی ۹۵
پاسخ‌نامه روان شناسی عمومی ۹۶
درسنامه مروری روان شناسی عمومی ۱۱۱
روان شناسی فیزیولوژیک، انگیزش و هیجان ۱۱۳
پاسخ‌نامه روان شناسی فیزیولوژیک، انگیزش و هیجان ۱۱۴
درسنامه مروری روان شناسی فیزیولوژیک، انگیزش و هیجان ۱۲۷

آزمون کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی ۱۴۰۵

علم‌النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی ۱۳۰
پاسخ‌نامه علم‌النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی ۱۳۲
درسنامه مروری علم‌النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی ۱۴۶
آمار و روش تحقیق ۱۴۸
پاسخ‌نامه آمار و روش تحقیق ۱۵۰
درسنامه مروری آمار و روش تحقیق ۱۶۹
روان‌شناسی مرضی و کودکان استثنایی ۱۷۲
پاسخ‌نامه روان‌شناسی مرضی و کودکان استثنایی ۱۷۴
درسنامه مروری روان‌شناسی مرضی و کودکان استثنایی ۱۸۷
روان شناسی رشد ۱۸۹
پاسخ‌نامه روان شناسی رشد ۱۹۱
درسنامه مروری روان شناسی رشد ۲۱۲
روان شناسی عمومی ۲۱۵
پاسخ‌نامه روان شناسی عمومی ۲۱۶
درسنامه مروری روان شناسی عمومی ۲۲۹
روان شناسی فیزیولوژیک، انگیزش و هیجان ۲۳۱
پاسخ‌نامه روان شناسی فیزیولوژیک، انگیزش و هیجان ۲۳۳
درسنامه مروری روان شناسی فیزیولوژیک، انگیزش و هیجان ۲۴۸
واژه نامه و اصطلاحات ۲۵۱
منابع ۲۶۳

جدول ۱: جدول فراوانی موضوعی سؤالات آزمون کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

مبحث / سال	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
۱. علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی	**۱۵**	**۱۵**	**۱۵**	**۱۵**	**۱۵**	**۱۵**	**۹۰**	**۵۲٪/۱۴**
مبانی قرآنی و روایی (روح، نفس، عقل، قلب، فطرت، خواب و مرگ)	۱۱	۸	۱۰	۱۲	۶	۱۰	۵۷	۱۹٪/۹
آراء دانشمندان و مکاتب اسلامی (ابن‌سینا، فارابی، سهروردی، ملاصدرا، کندی، مطهری)	۳	۳	۲	۲	۷	۴	۲۱	۳۹٪/۳
روان شناسی تطبیقی، غریزه، ادراک و نقد مکاتب غربی	۱	۴	۳	۱	۲	۱	۱۲	۹۴٪/۱
۲. آمار و روش تحقیق	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۱۲۰**	**۳۵٪/۱۹**
آمار توصیفی، احتمالات و توزیع‌ها (نمودارها، شاخص‌ها، نرمال و دوجمله‌ای)	۳	۴	۳	۶	۳	۴	۲۳	۷۱٪/۳
آمار استنباطی (آزمون فرض، فاصله اطمینان، t، آنوا، آنکوا، خی‌دو، همبستگی و رگرسیون)	۸	۶	۷	۵	۷	۶	۳۹	۲۹٪/۶
روش تحقیق کمی (طرح‌های آزمایشی، متغیرها، روایی درونی/بیرونی و نمونه‌گیری)	۹	۵	۷	۸	۵	۸	۴۲	۷۷٪/۶
روش تحقیق کیفی و ترکیبی (پدیدارشناسی، قوم‌نگاری، داده‌بنیاد، پارادایم‌ها و اشباع)	۰	۵	۳	۱	۵	۲	۱۶	۵۸٪/۲
۳. روان شناسی مرضی و کودکان استثنایی	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۱۵**	**۱۵**	**۱۱۰**	**۷۴٪/۱۷**
اختلالات عصبی-رشدی (کم‌توانی ذهنی، ADHD، اتیسم/آسپرگر،	۱۰	۱۲	۱۰	۷	۴	۱۱	۵۴	۷۱٪/۸

مبحث / سال	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
ناتوانی یادگیری و ارتباطی)								
اختلالات اضطرابی، خلقی، وسواس، سایکوتیک، سازگاری و خواب	۴	۰	۳	۴	۷	۱	۱۹	۰۶٪/۳
اختلالات رفتار ایذایی، کنترل تکانه و سلوک (ODD و CD)	۱	۱	۲	۲	۱	۱	۸	۲۹٪/۱
آسیب‌های حسی (بینایی و شنوایی) و تیزهوشان	۴	۲	۱	۴	۱	۲	۱۴	۲۶٪/۲
مبانی آسیب‌شناسی، سبب‌شناسی، سنجش و مداخلات درمانی	۱	۵	۴	۳	۲	۰	۱۵	۴۲٪/۲
۴. روان شناسی رشد	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۲۰**	**۱۲۰**	**۳۵٪/۱۹**
مبانی، مکاتب، روش‌های پژوهش و نظریه‌های رسش/بوم‌شناختی (روسو، گزل، برونفن‌برنر، ورنر)	۳	۶	۵	۵	۳	۴	۲۶	۱۹٪/۴
رشد شناختی، زبان و هوش (پیاژه، ویگوتسکی، چامسکی، استرنبرگ، شای، کتل و فراشناخت)	۳	۲	۳	۴	۷	۶	۲۵	۰۳٪/۴
رشد روانی-اجتماعی، دلبستگی، هویت و اخلاق (اریکسون، ماهلر، بالبی، مارسیا، کلبرگ، گیلیگان)	۷	۱۱	۶	۶	۵	۵	۴۰	۴۵٪/۶
دوره‌های سنی، رشد جسمانی، بزرگسالی، پیری و مرگ (لوینسون، یونگ، وایلانت، پک، کوبلر-راس)	۷	۱	۶	۵	۵	۵	۲۹	۶۸٪/۴
۵. روان شناسی عمومی	**۱۵**	**۱۵**	**۱۵**	**۱۵**	**۱۵**	**۱۵**	**۹۰**	**۵۲٪/۱۴**
تاریخچه، مکاتب، مبانی زیستی، احساس و ادراک و هشیاری	۴	۶	۷	۴	۶	۶	۳۳	۳۲٪/۵
یادگیری، حافظه، تفکر، زبان و هوش	۲	۲	۲	۴	۲	۳	۱۵	۴۲٪/۲

مبحث / سال	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
انگیزش، هیجان، شخصیت، رشد و روان شناسی اجتماعی	۶	۴	۵	۶	۷	۴	۳۲	۱۶٪/۵
آسیب‌شناسی روانی و روان درمانی	۳	۳	۱	۱	۰	۲	۱۰	۶۱٪/۱
۶. روان شناسی فیزیولوژیک، انگیزش و هیجان	**۱۵**	**۱۵**	**۱۵**	**۱۵**	**۱۵**	**۱۵**	**۹۰**	**۵۲٪/۱۴**
روان شناسی فیزیولوژیک (ساختارهای مغزی، انتقال‌دهنده‌های عصبی، هورمون‌ها، خواب و استرس)	۷	۱۱	۷	۸	۰	۶	۳۹	۲۹٪/۶
انگیزش (نظریه‌های انگیزش، سائق، خودتعیین‌گری، اسناد، پیشرفت و خودکارآمدی)	۵	۱	۴	۴	۱۵	۴	۳۳	۳۲٪/۵
هیجان (نظریه‌های هیجان، تنظیم هیجان، هیجان‌های بنیادی و خودآگاه، هوش هیجانی)	۳	۳	۴	۳	۰	۵	۱۸	۹۰٪/۲
مجموع سؤالات سال (۶ درس تخصصی فارسی)	**۱۰۵**	**۱۰۵**	**۱۰۵**	**۱۰۵**	**۱۰۰**	**۱۰۰**	**۶۲۰**	**۱۰۰٪**
گزارش تحلیلی و توصیه‌های راهبردی								
۱. تحلیل روندها:								

- **تغییر ساختار تعداد سؤالات:** از سال ۱۴۰۴ به بعد، تعداد سؤالات درس «روان شناسی مرضی و کودکان استثنایی» از ۲۰ سؤال به ۱۵ سؤال کاهش یافته و مجموع سؤالات تخصصی فارسی از ۱۰۵ به ۱۰۰ سؤال رسیده است.
- **نوسان شدید در درس فیزیولوژیک، انگیزش و هیجان:** در حالی که در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ تمرکز اصلی بر مباحث فیزیولوژیک (۷ تا ۱۱ سؤال) بود، در سال ۱۴۰۴ تمامی ۱۵ سؤال این درس به مبحث انگیزش (با رویکرد تربیتی-شناختی) اختصاص یافت و در سال ۱۴۰۵ مجدداً تعادل میان فیزیولوژیک (۶ سؤال)، هیجان (۵ سؤال) و انگیزش (۴ سؤال) برقرار شد.
- **رشد سهم روش تحقیق کیفی و ترکیبی:** در سال ۱۴۰۰ هیچ سؤالی از روش تحقیق کیفی طرح نشد، اما در سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۵ به‌طور مستمر بین ۱ تا ۵ سؤال (مجموعاً ۱۶ سؤال) به پارادایم‌ها، پدیدارشناسی، قوم‌نگاری و اشباع داده‌ها اختصاص یافته است.
- **تثبیت رویکرد مفهومی در علم النفس و رشد:** در علم النفس سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ توجه به آراء فلاسفه (ابن‌سینا، فارابی، سهروردی، ملاصدرا) افزایش یافته و در روان شناسی رشد، تمرکز بر نیمه دوم عمر (بزرگسالی، پیری و نظریه‌پردازانی چون

لوینسون، شای و پک) سهم ثابتی حدود ۲۵ درصد از سؤالات این درس را حفظ کرده است. **۲. معرفی مباحث کلیدی (اولویت اول مطالعه):**

- **اختلالات عصبی-رشدی (۷۱٪/۸ کل آزمون):** پربسامدترین مبحث در درس مرضی و کودکان استثنایی (۵۴ سؤال در ۶ سال) شامل ADHD، طیف اتیسم، کم‌توانی ذهنی و ناتوانی‌های یادگیری با تأکید بر ملاک‌های DSM-۵.
- **مبانی قرآنی و روایی در علم النفس (۱۹٪/۹ کل آزمون):** شامل ۵۷ سؤال در ۶ سال؛ تسلط بر مفهوم‌شناسی روح، نفس، عقل، قلب و فطرت تضمین‌کننده بیش از ۶۰ درصد نمره این درس است.
- **روش تحقیق کمی و آمار استنباطی (مجموعاً ۱۳٪/۰۶ کل آزمون):** طرح‌های آزمایشی، متغیرها، روایی و آزمون‌های استنباطی (آنوا، همبستگی، رگرسیون و آزمون فرض) هسته اصلی درس آمار و روش تحقیق را تشکیل می‌دهند.
- **رشد روانی-اجتماعی، هویت و اخلاق (۴۵٪/۶ کل آزمون):** نظریات اریکسون، ماهلر، مارسیا، کلبرگ و گیلیگان بیشترین تکرار را در روان شناسی رشد داشته‌اند.
- **ساختارهای مغزی و مبانی زیستی (۶۱٪/۱۱ کل آزمون در مجموع دو درس عمومی و فیزیولوژیک):** همپوشانی بالای مبانی زیستی در روان شناسی عمومی و فیزیولوژیک، بازدهی مطالعه این بخش را دوچندان می‌کند.**۳. توصیه‌های راهبردی برای داوطلبان:**
- **مطالعه تلفیقی مباحث همپوشان:** مباحثی مانند «ساختارهای مغزی و انتقال‌دهنده‌های عصبی»، «نظریه‌های یادگیری و انگیزش» و «نظریه‌های پیاژه و ویگوتسکی» به صورت مشترک در دروس عمومی، رشد و فیزیولوژیک/انگیزش مورد پرسش قرار می‌گیرند؛ مطالعه یکپارچه آن‌ها باعث صرفه‌جویی در زمان و تسلط عمیق‌تر می‌شود.
- **توجه به تله‌های تستی در آمار و مرضی:** در آمار، تمرکز بر تفسیر مفهومی شاخص‌ها (مانند ضریب تعیین، توان آزمون، خطای آلفا و شرایط آزمون تعقیبی) در کنار فرمول‌های کوتاه، و در مرضی، تفکیک دقیق تشخیص‌های افتراقی و تغییرات DSM-۵ (مانند ملاک سنی ADHD و طبقه طیف اسکیزوفرنی) ضروری است.
- **اولویت‌بندی بر اساس ضریب و فراوانی:** دو درس «آمار و روش تحقیق» و «روان شناسی رشد» هر کدام با ۳۵/۱۹ درصد، بالاترین سهم تعدادی را در میان دروس تخصصی دارند و سرمایه‌گذاری هدفمند بر مباحث پرتکرار آن‌ها بیشترین تأثیر را در تراز نهایی داوطلب خواهد داشت.

مقدمه تحلیلی بر روند شش‌ساله آزمون‌های کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

موفقیت در آزمون ورودی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی (کد ۱۱۳۳) بیش از آنکه حاصل مطالعه پراکنده و حجیم منابع متعدد باشد، نیازمند شناخت دقیق «الگوی ذهنی طراحان سؤال» و رصد تحولات ساختاری و محتوایی آزمون در سال‌های اخیر است. بررسی و کالبدشکافی دقیق ۶۲۰ سؤال شش درس تخصصی این گرایش در بازه زمانی ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که این آزمون دیگر صرفاً حافظه‌محور و متکی بر تعاریف خط‌به‌خط نیست، بلکه به سمت سنجش عمق مفهومی، قدرت تطبیق میان مکاتب، تحلیل موقعیت‌های بالینی و تسلط بر روش‌شناسی پژوهش حرکت کرده است. این مقدمه تحلیلی با هدف ترسیم یک نقشه راه استراتژیک، سه محور کلیدی شامل مباحث همواره پرتکرار، چرخش‌های محتوایی و روش‌شناختی طراحان، و بسامد دیدگاه‌های نظریه‌پردازان شاخص را در اختیار داوطلبان قرار می‌دهد.**۱. مباحث همواره پرتکرار و ستون‌های ثابت آزمون** واکاوی داده‌های شش‌ساله آشکار می‌سازد که در هر شش درس تخصصی، هسته‌ای ثابت از مباحث وجود دارد که بدون توجه به تغییرات سالانه طراحان، به‌طور مستمر بیشترین سهم سؤالات را به خود اختصاص می‌دهند:

- **علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی:** سه محور «ماهیت نفس، روح و قلب» (٪۲۰)، «عقل، مراتب آن و حکمت» (٪۱۶٫۷) و «فطرت و غریزه» (٪۱۵٫۶) بیش از نیمی از کل سؤالات این درس را تشکیل می‌دهند. افزون بر این، استنباط مفاهیم روانشناختی از آیات قرآن کریم و احادیث ائمه (به‌ویژه در مباحث خواب و مرگ، مراحل جنینی و مکانیزم‌های روانی) پای ثابت تمامی شش دوره بوده است.
- **آمار و روش تحقیق:** در بخش آمار، مفاهیم «آمار توصیفی و نمرات استاندارد» (٪۱۰٫۸)، «آزمون فرض، توان آماری، برآورد فاصله‌ای و آماره‌های z، t و F» (٪۱۰٫۸)، «تحلیل واریانس و کوواریانس» (٪۱۰) و «همبستگی و رگرسیون» (٪۹٫۲) هسته ثابت محاسباتی و مفهومی را می‌سازند. در بخش روش تحقیق نیز «طرح‌های آزمایشی، شبه‌آزمایشی و روایی درونی/بیرونی» (٪۱۰٫۸) و «روش‌های غیرآزمایشی و طولی» (٪۱۰) همواره مورد توجه بوده‌اند.
- **روان شناسی مرضی و کودکان استثنایی:** «کلیات آسیب‌شناسی، سبب‌شناسی زیستی-ژنتیکی و ارزیابی بالینی» (٪۲۰) پرتکرارترین حوزه این درس است و پس از آن سه‌گانه اختلالات عصبی-رشدی یعنی «ADHD»، «ناتوانی‌های یادگیری ویژه» و «کم‌توانی هوشی و نشانگان‌های ژنتیکی» (هرکدام ٪۱۰) در کنار «اختلالات اضطرابی و استرس» (٪۱۰٫۹) بیشترین ثبات را در طرح سؤال داشته‌اند.
- **روان شناسی رشد:** «مبانی فلسفی، الگوهای تحولی و نظریه‌های رسش» (٪۱۵)، «هوش، پردازش اطلاعات و فراشناخت» (٪۱۰٫۸)، «نظریه‌های روان‌پویشی و روابط شیء» (٪۱۰)، «تحول اخلاقی» (٪۱۰) و «تحول در بزرگسالی و پیری» (٪۹٫۲) پیوسته ستون فقرات سؤالات این درس بوده‌اند.
- **روان شناسی عمومی:** چهار حوزه «احساس و ادراک» و «شخصیت و مکانیزم‌های دفاعی» (هرکدام ٪۱۳٫۳) و «آسیب‌شناسی و درمان» و «روانشناسی اجتماعی» (هرکدام ٪۱۲٫۲) بیش از ۵۰ درصد بار آزمون این درس را به دوش می‌کشند و پس از آن «مبانی زیستی رفتار» و «حافظه، تفکر و هوش» (هرکدام ٪۱۰) قرار دارند.
- **روان شناسی فیزیولوژیک، انگیزش و هیجان:** «ساختارهای مغزی و سیستم لیمبیک» و «نظریه‌های شناختی-اجتماعی انگیزش» (هرکدام ٪۱۸٫۹) در صدر قرار دارند و پس از آن‌ها «مبانی سائق و تعادل حیاتی» (٪۱۴٫۴) و «انتقال‌دهنده‌های عصبی، هورمون‌ها و فیزیولوژی خواب و استرس» (هرکدام ٪۱۲٫۲) پرتکرارترین سرفصل‌ها بوده‌اند. **۲. چرخش‌های محتوایی و تحول رویکرد طراحان سؤال** مقایسه آزمون‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ با آزمون‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ چندین تغییر جهت مهم و استراتژیک را نشان می‌دهد که غفلت از آن‌ها می‌تواند به قیمت از دست رفتن بخش مهمی از تراز داوطلب تمام شود:
- **ظهور قدرتمند روش تحقیق کیفی و پارادایم‌های فلسفی:** یکی از چشمگیرترین چرخش‌های شش‌ساله در درس آمار و روش تحقیق رخ داده است. در سال ۱۴۰۰ هیچ سؤالی از پژوهش کیفی مطرح نشد، اما از سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۵ به‌طور مستمر ۱۴ سؤال (٪۱۱٫۷ کل درس) به جهان‌بینی‌های فلسفی (کرسول)، پدیدارشناسی، قوم‌نگاری، نظریه داده‌بنیاد، اشباع داده‌ها و طرح‌های آمیخته اختصاص یافت. هم‌زمان، در بخش آمار نیز وزن سؤالات از محاسبات سنگین و طولانی به سمت «تفسیر خروجی‌ها، درک روابط میان پارامترها (مانند اثر تغییر آلفا بر توان و حجم نمونه) و کاربرد آزمون‌ها» تغییر یافته است.
- **تغییر ساختار و وزن مباحث در مرضی و کودکان استثنایی:** از سال ۱۴۰۴ تعداد سؤالات این درس از ۲۰ سؤال به ۱۵ سؤال کاهش یافت. از نظر محتوایی نیز تمرکز طراحان از «آسیب‌های حسی، گفتاری و جسمی-حرکتی» (که در سال ۱۴۰۰ نیمی از سؤالات یعنی ۱۰ سؤال را شامل می‌شد) به سمت «آسیب‌شناسی بالینی مبتنی بر ملاک‌های دقیق DSM-۵، تشخیص افتراقی، اختلالات اضطرابی و استرس» (سال ۱۴۰۴) و «علل زیستی، ژنتیک، نشانگان‌ها و کارکردهای مغزی» (سال ۱۴۰۵) تغییر مسیر داده است.
- **حرکت به سوی سؤالات تطبیقی در علم النفس و کاربردی در عمومی:** در علم النفس سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵، صرف حفظ تعاریف کلاسیک کافی نیست؛ طراحان به شدت به «تطبیق مفاهیم اسلامی با روانشناسی معاصر» (مانند مقایسه سمبولیزم، مکانیزم‌های دفاعی،

وراثت و محیط در برابر اراده، و خودآگاه/ناخودآگاه با سرّ و اخفی) و نیز «تمایز دقیق آراء فلاسفه» (مقایسه مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه) روی آورده‌اند.

- **نوسان بی‌سابقه و بازگشت به تعادل در فیزیولوژیک، انگیزش و هیجان:** در آزمون ۱۴۰۴ یک چرخش غیرمنتظره رخ داد و تمامی ۱۵ سؤال این درس منحصراً از حوزه انگیزش (به‌ویژه انگیزش در یادگیری و نظریه‌های شناختی-اجتماعی) طراحی شد؛ اما در آزمون ۱۴۰۵ طراحان مجدداً به تعادل ساختاری بازگشتند و ضمن احیای سؤالات عصب‌روان‌شناسی و ساختارهای مغزی، تمرکز ویژه‌ای بر «تنظیم هیجان، خودتعیین‌گری و کاربردهای پژوهشی و تجربی» نشان دادند.
- **توجه فزاینده به گستره عمر (بزرگسالی، پیری و هوش) در روانشناسی رشد:** در سال‌های اخیر (به‌ویژه ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۵)، روانشناسی رشد از انحصار دوران کودکی خارج شده و سهم سؤالات مربوط به تحول هوش، تفکر پساصوری، هویت قومی و چالش‌های میانسالی و سالمندی رشد قابل توجهی یافته است. **۳. شخصیت‌ها، مکاتب و نظریه‌پردازان دارای بیشترین بسامد** بررسی تک‌تک سؤالات شش سال گذشته نشان می‌دهد که تسلط عمیق بر آراء گروه مشخصی از اندیشمندان و نظریه‌پردازان، بخش بزرگی از سؤالات آزمون را پوشش می‌دهد:
- **در علم النفس اسلامی:** «ابن‌سینا» (قوای باطنی، قوه متذکره، رابطه تدبیری نفس و بدن)، «ملاصدرا» (تشکیک وجود، حرکت جوهری و جسمانیةالحدوث بودن نفس)، «فارابی» (عقل فعال/روح‌الامین و اجتماعات انسانی)، «سهروردی» (رابطه شوقی نفس و بدن)، «کندی» (طبقه‌بندی رؤیاها) و «استاد مطهری» (ابعاد شناختی و عاطفی فطرت) در کنار تحلیل روایات «حضرت علی (ع)» بیشترین فراوانی را داشته‌اند.
- **در روانشناسی رشد:** «ژان پیاژه» (مراحل چهارگانه، ناهمترازی افقی، استدلال انتقالی، طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی)، «اریک اریکسون» (بحران‌های هشت‌گانه، صمیمیت کاذب، زایندگی و مرور زندگی)، «لارنس کلبرگ» و «کارول گیلیگان» (تحول اخلاقی)، «آرنولد گزل» (هم‌آمیزی تقابلی، عدم تقارن کنشی و خودگردانی)، «مارگارت ماهلر» (تفرد-جدایی و نزدیکی‌خواهی) و «لو ویگوتسکی» (منطقه تقریبی رشد، گفتار خودمدارانه و مشارکت توأم با رهنمود) در صدر بسامد قرار دارند. پس از آنان، «کارل یونگ»، «دانیل لوینسون»، «جیمز مارسیا»، «وارنر شای»، «ژان ژاک روسو»، «هاینز ورنر»، «برونفن‌برنر»، «رابرت سلمن»، «جیمز فاولر» و «جروم کاگان» پیوسته مورد پرسش قرار گرفته‌اند.
- **در فیزیولوژیک، انگیزش و هیجان و عمومی:** «آلبرت بندورا» (علیت دوسویه، خودکارآمدی، خودگردانی و یادگیری مشاهده‌ای) رکورددار تکرار در میان نظریه‌پردازان است. پس از او «زیگموند فروید» (مکانیزم‌های دفاعی و اضطراب)، «جیمز گراس» (فرایندهای تنظیم هیجان)، «ریچارد لازاروس» (ارزیابی اولیه و ثانویه)، «کلارک هال» (کاهش سائق)، «برنارد واینر» (نظریه اسناد)، «اسکینر و ثرندایک» (شرطی‌سازی و برنامه‌های تقویتی)، «رابرت استرنبرگ و هاوارد گاردنر» (نظریه‌های هوش)، «شاختر-سینگر، کنن-بارد، جیمز-لانگه، پلاچیک و پل اکمن» (نظریه‌های هیجان) و «دسی و رایان» (خودتعیین‌گری) بیشترین سهم را در سؤالات داشته‌اند.
- **در مرضی و کودکان استثنایی و روش تحقیق:** «راسل بارکلی» (بازداری پاسخ در ADHD)، «جروم کاگان و جفری گری» (سیستم بازداری رفتاری در اضطراب)، «جرالد پترسون» (چرخه اعمال فشار در اختلال سلوک)، «توماس بورکووک» (اجتناب شناختی در نگرانی)، «آچنباخ» (نظام ASEBA) و «جان کرسول» (پارادایم‌ها و طرح‌های پژوهش کیفی و آمیخته) کلیدی‌ترین چهره‌های علمی مورد استناد طراحان بوده‌اند. **۴. نقشه راه و دیدگاه استراتژیک برای مطالعه هوشمندانه** بر پایه یافته‌های این تحلیل شش‌ساله، داوطلبان برای کسب بالاترین بازدهی در زمان محدود مطالعه باید چهار اصل راهبردی را سرلوحه برنامه خود قرار دهند:
- **اصل هم‌افزایی میان‌درسی (مطالعه یکپارچه):** میان دروس آزمون هم‌پوشانی معناداری وجود دارد؛ مباحث مغز، انتقال‌دهنده‌های عصبی و هیجان در «روانشناسی عمومی» و «فیزیولوژیک»، و مباحث پیاژه، ویگوتسکی، کلبرگ، مارسیا و استرنبرگ در «رشد» و «عمومی» مشترک‌اند. مطالعه هم‌زمان این سرفصل‌ها هم در زمان صرفه‌جویی می‌کند و هم تسلط مفهومی را در هر دو درس به اوج می‌رساند.
- **اولویت‌بندی بر اساس اصل پارتو (۲۰/۸۰):** به جای پراکنده خواندن منابع فرعی، تمرکز اصلی باید بر تسلط صددرصدی بر ۴ تا ۵ مبحث صدر جدول هر درس و جدول‌های مقایسه‌ای نظریه‌پردازان باشد که به‌تنهایی بیش از ۷۰ درصد سؤالات هر آزمون را پوشش می‌دهند.
- **تغییر سبک مطالعه از حفظی به مقایسه‌ای و کلیدواژه‌محور:** با توجه به گرایش جدید طراحان به سؤالات سناریومحور، تشخیص افتراقی (در مرضی)، تفکیک مکاتب (در رشد و علم النفس) و تفسیر مفهومی فرمول‌ها (در آمار)، یادگیری «وجه افتراق» مفاهیم هم‌خانواده (مانند متغیر میانجی در برابر تعدیل‌گر، هوش سیال در برابر متبلور، ناتوانی یادگیری در برابر کم‌توانی هوشی و رابطه نفس و بدن در سه مکتب فلسفی اسلامی) تعیین‌کننده‌ترین مهارت در جلسه آزمون است.
- **محوریت بخشیدن به تحلیل سؤالات ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵:** نظر به اینکه آخرین جهت‌گیری‌های سازمان سنجش در تغییر تعداد سؤالات، ادبیات طرح تست و تمرکز بر مباحث نوین در آزمون‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ متبلور شده است، مطالعه دقیق پاسخ‌نامه‌های تشریحی،

کادرهای جمع‌بندی و درسنامه‌های مروری همین کتاب برای این دو سال، کوتاه‌ترین و مطمئن‌ترین مسیر برای هم‌ترازی با استانداردهای جدید آزمون کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی است.

پیش‌گفتار

ورود به دوره کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی (کد ۱۱۳۳) در سال‌های اخیر از رقابتی صرفاً حافظه‌محور و متکی بر بازخوانی خط‌به‌خط متون دانشگاهی فاصله گرفته و به عرصه‌ای برای سنجش درک عمیق مفهومی، توان تطبیق میان مکاتب، مهارت تشخیص افتراقی، تحلیل موقعیت‌های بالینی و تسلط بر روش‌شناسی پژوهش بدل شده است. در چنین فضایی، بهره‌گیری از منبعی که هم نقشه راه دقیق و آماری آزمون را پیش روی داوطلب بگشاید و هم جدیدترین پرسش‌های سازمان سنجش آموزش کشور را با عمق علمی و نگاهی راهبردی کالبدشکافی کند، نقشی تعیین‌کننده در موفقیت و کسب رتبه‌های برتر دارد. مجموعه پیش‌رو با عنوان «همه سؤال‌های کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی (۱۴۰۴–۱۴۰۵)» حاصل تلاش مستمر و کارشناسی گروه مؤلفین نشر پردازش است که با هدف خلق اثری جامع، خودکفا و ماندگار برای داوطلبان، دانشجویان و مدرسان این رشته تدوین شده است. **روش کار و مبنای علمی تدوین مجموعه** در طراحی و نگارش این کتاب، از الگوی رایج و سنتی ارائه کلید و توضیحات کوتاه و پراکنده پرهیز شده است. روش کار مؤلفان بر دو رکن مکمل استوار بوده است: نخست، «تحلیل آماری و موضوعی شش‌ساله» از طریق بررسی و دسته‌بندی دقیق ۶۲۰ پرسش شش درس تخصصی فارسی در آزمون‌های سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ برای کشف روندهای پنهان، نوسانات ساختاری و اولویت‌های ذهنی طراحان سؤال؛ و دوم، «تألیف آموزشی چندلایه» بر محور دو آزمون اخیر ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ که متبلورکننده آخرین تغییرات ساختاری و محتوایی سازمان سنجش (از جمله کاهش تعداد سؤالات درس روان‌شناسی مرضی و کودکان استثنایی از ۲۰ به ۱۵ سؤال، رسیدن مجموع سؤالات تخصصی فارسی به ۱۰۰ سؤال، رشد سهم پژوهش کیفی و تأکید بر ملاک‌های دقیق DSM-۵ و پرسش‌های تطبیقی) است. بدین ترتیب، خواننده پیش از ورود به متن پرسش‌ها به بینشی کلان و راهبردی دست می‌یابد و سپس در بستر پاسخ‌نامه‌ها و درس‌نامه‌ها، مفاهیم را به صورت عمیق و کاربردی فرا می‌گیرد. **ساختار و محتویات جامع کتاب** این مجموعه در پنج بخش به‌هم‌پیوسته و با معماری آموزشی یکپارچه سامان‌دهی شده است:

- **۱. جدول فراوانی موضوعی شش‌ساله و گزارش تحلیلی راهبردی (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵):** در آغاز کتاب، توزیع فراوانی و درصد سهم تک‌تک مباحث اصلی و فرعی شش درس تخصصی در طول شش دوره متوالی به صورت دقیق و جدول‌بندی‌شده ارائه شده است. در ادامه، مقدمه تحلیلی و توصیه‌های راهبردی به معرفی هسته ثابت و پرتکرار آزمون، رصد چرخش‌های محتوایی و روش‌شناختی طراحان، شناسایی پربسامدترین نظریه‌پردازان و شخصیت‌های علمی و تبیین اصول مطالعه هوشمندانه (از جمله اصل هم‌افزایی میان‌درسی و اولویت‌بندی مبتنی بر اصل پارتو) می‌پردازد.
- **۲. متن کامل پرسش‌های شش درس تخصصی آزمون‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵:** تمامی پرسش‌های دو دوره اخیر به تفکیک شش درس تخصصی «علم‌النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی»، «آمار و روش تحقیق»، «روان‌شناسی مرضی و کودکان استثنایی»، «روان‌شناسی رشد»، «روان‌شناسی عمومی» و «روان‌شناسی فیزیولوژیک، انگیزش و هیجان» با ویرایش دقیق و شماره‌گذاری منظم در اختیار مخاطب قرار گرفته است.
- **۳. پاسخ‌نامه‌های تشریحی چندلایه و آموزش‌محور:** برای هر پرسش در هر دو آزمون ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵، ساختاری منظم و استاندارد طراحی شده که شامل تعیین دقیق «موضوع سؤال»، ارائه «پاسخ تشریحی جامع و مستند»، «شرح مفاهیم، مکاتب و رمزگشایی از ایسم‌ها و نظریه‌پردازان»، «بررسی علت نادرستی سایر گزینه‌ها»، «کادرهای جمع‌بندی و جداول مقایسه‌ای» برای تفکیک مفاهیم هم‌خانواده، «راه‌حل تستی، میان‌برهای کلیدواژه‌محور و افشای تله‌های طراح» و در نهایت «نکات تکمیلی» جهت پوشش زوایای علمی و به‌روزرسانی‌های مرجع است.
- **۴. درس‌نامه‌های مروری و جمع‌بندی در پایان هر درس:** یکی از تمایزهای برجسته این اثر، گنجاندن یک درس‌نامه مروری، منسجم و فصل‌بندی‌شده بلافاصله پس از پاسخ‌نامه هر درس در هر دو سال ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ است. این درس‌نامه‌ها، مفاهیم پراکنده در پرسش‌ها، فرمول‌های کلیدی، ملاک‌های تشخیصی و چارچوب‌های نظری را در قالبی یکپارچه و ساختاریافته سازمان‌دهی می‌کنند تا داوطلب بتواند در دوران جمع‌بندی، در کوتاه‌ترین زمان ممکن کل مباحث هر درس را مرور و تثبیت نماید.
- **۵. فرهنگ جامع واژگان تخصصی و فهرست منابع:** در بخش پایانی کتاب، واژه‌نامه‌ای جامع و یکدست شامل کلیدی‌ترین اصطلاحات تخصصی به‌کاررفته در آزمون‌های شش سال اخیر به همراه معادل‌های استاندارد بین‌المللی (مبتنی بر APA و DSM-۵) و نیز فهرست منابع علمی و مرجع ارائه شده است تا داوطلبان برای درک دقیق اصطلاحات انگلیسی، عربی و تخصصی نیازی به جست‌وجوی پراکنده در منابع دیگر نداشته باشند. **سخن پایانی با مخاطبان ارجمند** این مجموعه نه صرفاً برای داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، بلکه برای تمامی دانشجویان، پژوهشگران و مدرسانی که در پی درک نظام‌مند مباحث پایه و تخصصی روان‌شناسی و شناخت استانداردهای روز ارزیابی علمی در کشور هستند، طراحی شده است. پیشنهاد می‌شود پیش از حل

پرسش‌ها، جداول فراوانی و مقدمه تحلیلی را با دقت مطالعه کنید، سپس آزمون هر درس را در شرایط شبیه‌سازی‌شده بیازمایید و پس از آن با تمرکز بر جداول مقایسه‌ای، تله‌های تستی و درس‌نامه‌های مروری، یادگیری خود را به سطح تسلط کامل برسانید. امید است این اثر ارزشمند، چراغ راهی روشن در مسیر رشد علمی و کامیابی تحصیلی شما عزیزان باشد. بی‌تردید دیدگاه‌ها، نقدها و پیشنهادهای سازنده استادان گرامی و داوطلبان ارجمند، پشتوانه گران‌بهای ما در ارتقای چاپ‌های آتی خواهد بود.

گروه مؤلفین پردازش

۵۱. **کدام مورد، محور اصلی نظریه تحولی «جیمز فاولر» (James Fowler) به شمار می‌آید؟**

۱) ایمان ۲) تاب‌آوری ۳) شناخت اجتماعی ۴) سوگ

۵۲. **مفهوم سرمایه گذاری متوازن (Balanced Investment) مرتبط با کدام دوره سنی است؟**

۱) کودکی ۲) پیری ۳) میانسالی ۴) جوانی

۵۳. **به نقل از پیروان نظریه «مارگارت ماهلر»، دومین فرایند تفرد - جدایی مرتبط با کدام دوره سنی است؟**

۱) نوجوانی ۲) جوانی ۳) میانسالی ۴) پیری

۵۴. **نظریه‌هایی که به محاسن نیروهای زیست‌شناختی و طبیعی در برابر اجتماع اهمیت می‌دهند، غالباً با چه عنوانی شناخته می‌شوند؟**

۱) دیالکتیکی ۲) رمانتیک‌گرایی ۳) میدانی ۴) تداعی‌نگر

۵۵. **کودکان خردسال علی‌رغم محدودیت‌های خود در یادگیری، باور دارند که می‌توانند به راحتی حجم زیادی از مطالب را به خاطر بسپارند. این ویژگی، حاصل فقدان کدام توانایی آنهاست؟**

۱) وحدت حواس ۲) دانش درون‌زاد ۳) فراشناخت ۴) استدلال شهودی

۵۶. **در نیمه دوم قرن بیستم، «لاواس» روش جدیدی را برای درمان کودکان مبتلا به اتیسم ابداع کرد. روش درمانی وی عمدتاً برخاسته از کدام مکتب روان‌شناسی بود؟**

۱) انسان‌گرایی ۲) یادگیری ۳) شناخت اجتماعی ۴) روابط شی

۵۷. **به گفتهٔ «اریک اریکسون»، آن دسته از میانسالان که حتی پس از ازدواج فاقد زایندگی هستند، دارای کدام ویژگی هستند؟**

۱) اضطراب اخلاقی ۲) گسلش عاطفی ۳) صمیمیت کاذب ۴) خودشیفتگی اجتماعی

۵۸. **شیوهٔ درمانی «برونو بتلهایم» با کودکان مبتلا به اتیسم، با کدام مکتب فکری پیوند نزدیکی دارد؟**

۱) تکامل‌نگری ۲) دیالکتیکی ۳) رفتارگرایی ۴) پدیدارشناسی

۵۹. **نظریهٔ رشد «ژان ژاک روسو»، بر کدام الگوی تحولی استوار است؟**

۱) دیالکتیکی ۲) ارگانیسمی ۳) کردارشناسی ۴) رفتارگرایی

۶۰. **از نظر «دانیل لوینسون»، در میانسالی افراد با کدام تکلیف رشدی مواجه می‌شوند؟**

۱) مردانگی – زنانگی ۲) هشیاری – ناهشیاری ۳) اخلاقی – غیراخلاقی ۴) تعادل - تنش

۶۱. **در نظام «گزل»، فرایندی از رشد که از طریق آن، دو گرایش مختلف به تدریج به نوعی سازماندهی مؤثر می‌رسند، بیانگر کدام اصل است؟**

۱) خودگردانی ۲) نوسان‌های خودنظم‌جو ۳) عدم تقارن کنشی ۴) هم‌آمیزی تقابلی

۶۲. **از نظر «پیاژه»، تسلط تدریجی بر مفاهیم منطقی، بیانگر کدام مفهوم است؟**

۱) رشد درون مرحله‌ای ۲) الگوی کارکرد درونی ۳) استنباط فرارونده ۴) چرخش ذهنی

۶۳. **یافتن مترادف یک واژه از میان فهرستی از واژه‌ها، مرتبط با کدام نوع هوش است؟**

۱) موقعیتی ۲) هیجانی ۳) متبلور ۴) فضایی

۶۴. **اصطلاح «پیاژه» برای تمایل کودک پیش‌عملیاتی جهت برقراری رابطهٔ ذهنی بین پدیده‌های خاص، اعم از اینکه بین آنها از لحاظ منطقی رابطهٔ علی وجود داشته یا نداشته باشد، کدام استدلال است؟**

۱) دیالکتیکی ۲) تبدیلی ۳) استقرایی ۴) انتقالی

۶۵. **عمداً مفهوم مشارکت توأم با رهنمود، برگرفته از کدام مفهوم است؟**

۱) خلاقیت ۲) خودکارآمدی ۳) حافظهٔ تقریبی رشد ۴) فراشناخت

۶۶. **طبق نظر «ماهلر»، اضطراب جدایی در کدام مرحله از تفرد - جدایی اتفاق می‌افتد؟**

۱) تمایز ۲) نزدیکی خواهی ۳) تمرین اولیه ۴) ثبات شیء هیجانی

۶۷. در نظام پیاژه، کودک در کدام مرحله در طبقه بندی سلسله مراتبی درست می‌یابد؟

۱) صوری ۲) حسی – حرکتی ۳) پیش‌عملیاتی ۴) عملیات عینی

۶۸. از نظر «ویگوتسکی»، در مرحله دوم رشد زبان، گفتار کودکان از کدام ویژگی برخوردار است؟

۱) درونی ۲) اجتماعی ۳) خودمدارانه ۴) سازگارانه

۶۹. در مقایسه نظریه «برزونسکی» با «مارسیا»، افراد دارای سبک هویتی هنجاری در کدام سبک هویتی مارسیا قرار می‌گیرند؟

۱) اجتنابی ۲) زودرس ۳) دیررس ۴) موفق

۷۰. از نظر «کاگان» (Kagan)، کدام کارکرد در اندازه گیری خلق‌وخوی کودکان مؤثر است؟

۱) عملکردهای زیستی ۲) توانایی‌های شناختی ۳) گزارش والدین ۴) مقایسه با همسالان

۵۱. گزینه ۱)

پاسخ تشریحی جیمز فاولر (James Fowler)، الهی‌دان و روان‌شناس رشد، نظریه «تحول ایمان» (Stages of Faith Development) را به عنوان محور اصلی و کانون پژوهش‌های علمی خود مطرح کرد. او با الهام از نظریات رشد شناختی ژان پیاژه، رشد اخلاقی لارنس کلبرگ و رشد روانی-اجتماعی اریک اریکسون، تکامل معنابخشی انسان به زندگی را بررسی کرد. در دیدگاه فاولر، «ایمان» صرفاً به معنای باورهای مذهبی یا تعلق به یک دین خاص نیست؛ بلکه یک پدیده روان‌شناختی فراگیر و شیوه بنیادین انسان برای درک هستی، معنابخشی به زندگی و ارتباط با ارزش‌های غایی است. او این تحول را در ۶ مرحله (از ایمان شهودی-فرافکن در کودکی تا ایمان جهان‌شمول در بزرگسالی) تبیین می‌کند. بنابراین، مفهوم ایمان دقیق‌ترین و اصلی‌ترین کلیدواژه برای نظریه تحولی اوست.

بررسی سایر گزینه ها گزینه ۲ (تاب‌آوری): مفهوم تاب‌آوری (Resilience) یا توانایی بازگشت‌پذیری در برابر سختی‌ها، محور پژوهش‌های روان‌شناسانی چون «امی ورنر» (Emmy Werner) و «نورمن گارمزای» است و در طبقه‌بندی نظریات فاولر جایگاهی ندارد. گزینه ۳ (شناخت اجتماعی): نظریات شناخت اجتماعی (Social Cognition) عمدتاً توسط «آلبرت بندورا» (نظریه یادگیری-شناخت اجتماعی) و «رابرت سلمن» (نظریه نقش‌گیری اجتماعی) بسط یافته‌اند و کانون تمرکز فاولر نیستند. گزینه ۴ (سوگ): تحول و مراحل رویارویی با سوگ و فقدان (Grief)، محور اصلی نظریه مشهور «الیزابت کوبلر-راس» (Kübler-Ross) است که مدل پنج‌مرحله‌ای سوگ را طراحی کرد.

شرح شخصیت و نکات تکمیلی جیمز فاولر (۲۰۱۵-۱۹۴۰) استاد الهیات و توسعه انسانی در دانشگاه اموری بود. مشهورترین اثر او کتاب «مراحل ایمان: روان‌شناسی توسعه انسانی و جستجو برای معنا» (۱۹۸۱) است. از دیدگاه تطبیقی، فاولر همان کاری را در عرصه «معنا و ایمان» انجام داد که پیاژه در عرصه «منطق» و کلبرگ در عرصه «اخلاق» انجام داده بودند؛ یعنی جستجوی ساختارهای جهان‌شمولی که فارغ از محتوای خاص، نشان‌دهنده بلوغ روان‌شناختی فرد در طول زمان هستند.

راه حل تستی برای پاسخگویی سریع به سؤالاتِ مبتنی بر نام نظریه‌پردازان، استفاده از تکنیک «رمزگردانی و تداعی کلیدواژه» کارسازترین میان‌بر است. داوطلب باید در دوران جمع‌بندی، نام هر نظریه‌پرداز را با یک واژه انحصاری گره بزند: «فاولر = ایمان»، «کوبلر-راس = سوگ»، «بندورا = شناخت/یادگیری اجتماعی». با این الگوی شرطی‌سازی ذهنی، به محض رؤیت نام James Fowler در صورت سؤال، گزینه «ایمان» در کمتر از ۵ ثانیه شناسایی و انتخاب می‌شود.

۵۲. گزینه ۲)

موضوع سوال: سؤال حاضر به یکی از مفاهیم کلیدی در روان‌شناسی رشد بزرگسالی و پیری (Gerontology) و نظریات تحول در بستر طول عمر اشاره دارد. مفهوم «سرمایه‌گذاری متوازن» (Balanced Investment) به نحوه تخصیص منابع (شناختی، هیجانی، جسمانی و زمانی) توسط فرد در دوره‌های مختلف زندگی می‌پردازد و گزینه صحیح (پیری) نشان‌دهنده دوره‌ای است که فرد به دلیل تغییر در ظرفیت‌ها و محدودیت منابع، ناگزیر به متوازن‌سازی این سرمایه‌گذاری‌ها برای حفظ کیفیت زندگی است.

پاسخ تشریحی: در روان‌شناسی رشد (به‌ویژه در رویکرد طول عمر پل بالتس - Paul Baltes)، تخصیص منابع روانی و زیستی در طول زندگی تغییر شکل می‌دهد. در دوره‌های اولیه زندگی، عمده منابع صرف «رشد» (Growth) می‌شود. اما در دوره پیری (Late Adulthood)، فرد با کاهش منابع جسمی و شناختی روبه‌رو است. در این دوره، مفهوم **سرمایه‌گذاری متوازن (Balanced Investment)** اهمیت حیاتی می‌یابد؛ به این معنا که سالمند باید منابع محدود خود را به‌صورت متوازن و کاملاً انتخابی در حوزه‌هایی سرمایه‌گذاری کند که بیشترین معنای هیجانی و رضایت را برای او به همراه دارد (مفهومی همسو با نظریه گزینش اجتماعی-هیجانی کارستنسن و مدل بهینه‌سازی انتخابی با جبران یا SOC). فرد در پیری، برای جبران افت عملکردها و تنظیم فقدان‌ها (Regulation of Loss)، سرمایه‌گذاری خود را از اهداف گسترده و پراکنده به سمت اهداف محدودتر، عمیق‌تر و متوازن‌تر سوق می‌دهد تا به یکپارچگی روانی دست یابد.

بررسی سایر گزینه ها :گزینه (۱) کودکی: در این دوره، تخصیص منابع عمدتاً نامتوازن، انفجاری و معطوف به «رشد و اکتساب» مهارت‌های جدید فیزیکی و شناختی است، نه متوازن‌سازی منابع برای مقابله با فقدان‌ها.**گزینه (۳) میانسالی:** ویژگی بارز میانسالی «زایندگی» (Generativity) و سرمایه‌گذاری بر نسل آینده و توسعه حرفه‌ای است که نیازمند صرف انرژی بالا و متمرکز است و هنوز فرد به فاز توزیع محدود و متوازن منابع (به معنای جبرانیِ مرتبط با سالمندی) وارد نشده است.**گزینه (۴) جوانی:** در

جوانی، انرژی و منابع فیزیکی و روانی در اوج قرار دارد و سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر معطوف به «استقلال»، «صمیمیت» و شکل‌دهی به ساختار اولیه زندگی است. کثرت منابع در این دوره، نیاز به سرمایه‌گذاری متوازن (برای حفظ بقا و جبران افت) را در حاشیه قرار می‌دهد.

نکات تکمیلی : برای درک عمیق‌تر پویایی سرمایه‌گذاری روانی در طول عمر، جدول زیر بر اساس رویکرد طول عمر تدوین شده است:

دوره سنی	هدف اصلی تخصیص منابع زیستی‌روانی	ویژگی بارز سرمایه‌گذاری روانی-شناختی
کودکی و نوجوانی	رشد و اکتساب (Growth)	سرمایه‌گذاری گسترده، پرانرژی و بی‌قیدوشرط برای یادگیری و توسعه ظرفیت‌ها
بزرگسالی و میانسالی	حفظ و نگهداری (Maintenance)	سرمایه‌گذاری هدفمند روی تثبیت شغل، تشکیل خانواده و زایندگی
پیری (سالمندی)	تنظیم فقدان (Regulation of Loss)	**سرمایه‌گذاری متوازن**، انتخاب بهینه‌ساز با جبران (SOC) و تمرکز بر کیفیت عاطفی

راه حل تستی (تله طراح / میان‌بر تستی): کلمات کلیدی در این سؤال «متوازن» (Balanced) در کنار «سرمایه‌گذاری» است. به‌عنوان یک قاعده تستی؛ هرگاه در سؤالات رشد با مفاهیمی چون *تخصیص مجدد منابع، جبران فقدان، انتخاب بهینه‌ساز، کیفیت در برابر کمیت روابط و سرمایه‌گذاری متوازنِ انرژی* روبه‌رو شدید، ذهن خود را بلافاصله به سمت دوران **پیری** سوق دهید. تله اصلی طراح در این سؤال گزینه «میانسالی» است، زیرا داوطلبِ ناآشنا با ادبیات تخصصی ممکن است مفهوم عامیانه «توازن بین کار و زندگی» در میانسالی را با مفهوم علمی و تکنیکال «سرمایه‌گذاری متوازن منابع زیستی-روانی» در سالمندی اشتباه بگیرد.

۵۳. گزینه ۱)

موضوع سوال: موضوع این سؤال به نظریه «روابط شیء» (Object Relations) و مفهوم «تفرد-جدایی» (Separation-Individuation) اشاره دارد. در حالی که مارگارت ماهلر این فرایند را در دوران کودکی اولیه تبیین کرد، پیروان او (به‌ویژه پیتر بلوس) از اصطلاح «دومین فرایند تفرد-جدایی» برای توصیف تحولات روانی و هویتی دوره «نوجوانی» استفاده کردند که گزینه صحیح دقیقاً به همین مفهوم اشاره دارد.

پاسخ تشریحی: مارگارت ماهلر، روان‌کاو برجسته، فرایند تفرد-جدایی اول را در سه سال نخست زندگی کودک مطرح کرد؛ فرایندی که طی آن نوزاد از هم‌جوشی روان‌شناختی با مادر خارج شده و به یک هویت مستقل دست می‌یابد. سال‌ها بعد، پیتر بلوس (Peter Blos)، روان‌کاو و از پیروان رویکرد ماهلر، اصطلاح «دومین فرایند تفرد-جدایی» را برای دوره **نوجوانی** ابداع کرد. به اعتقاد بلوس، نوجوانان نیز مانند کودکان نوپا باید پیوندهای وابستگی درونی‌شده به والدین را رها کنند تا بتوانند به خودمختاری و استقلال روانی دست یابند. در این دومین فرایند، نوجوان با فاصله‌گیری عاطفی از والدین و گرایش به گروه همسالان، هویت فردی خود را بازسازی می‌کند. بنابراین، دومین تفرد-جدایی، مشخصه اصلی و تکلیف رشدی گریزناپذیر دوران نوجوانی است.

رمزگشایی از مکاتب و نظریه‌پردازان:نظریه روابط شئ (Object Relations): یکی از شاخه‌های روان‌کاوی است که بر اهمیت روابط اولیه کودک با مراقبان (ابژه‌ها) در شکل‌گیری ساختار روان تأکید دارد.**مارگارت ماهلر:** نظریه‌پرداز اصلی تفرد-جدایی در دوران کودکی (شامل مراحل درهم‌تنیدگی، هم‌زیستی و تفرد-جدایی).**پیتر بلوس:** روان‌کاوی که نظریه ماهلر را به دوران نوجوانی بسط داد و نوجوان را در حال تجربه مجدد بحران‌های استقلال و جدایی دانست.

بررسی سایر گزینه ها :گزینه (۲) جوانی: تکلیف اصلی جوانی در رویکردهای روان‌تحلیل‌گری (مثل اریکسون) صمیمیت در برابر انزوا است. در این دوره فرد پیش‌تر فرایند تفرد را طی کرده و اکنون به دنبال اشتراک هویت خود با دیگری است.**گزینه (۳)**

میانسالی: دغدغه اصلی میانسالی، زایندگی و پرورش نسل بعد است، نه جدایی و استقلال از والـدین.**گزینه (۴) پیـری:** در پیـری انسجام من در برابر ناامیدی مطرح است و چالش‌های تفرد-جدایی مربوط به دهه‌های آغازین عمر است، نه پایان آن.

نکات تکمیلی :

عنوان فرایند	نظریه‌پرداز اصلی	دوره سنی وقوع	هدف و تکلیف اصلی رشدی
نخستین تفرد-جدایی	مارگارت ماهلر	کودکی اولیه (۶ تا ۳۶ ماهگی)	تمایز فیزیکی و روانی از مادر، دستیابی به ثبات شئ
دومین تفرد-جدایی	پیتر بلوس	نوجوانی	استقلال عاطفی از خانواده، خودمختاری و شکل‌گیری هویت

راه حل تستی (تله طراح / میان‌بر تستی): کلمه کلیدی در این سؤال واژه «دومین» (در ترکیب با تفرد-جدایی) است. طراح بـا ذکر نام «مارگارت ماهلر» در ابتدای سؤال، سعی در ایجاد تله ذهنی دارد تا داوطلبِ عجول به یاد دوران «کـودکی» بیفتـد. میـان‌بر تستی: هرگاه نام ماهلر با واژه «دومین» یا عبارت «پیروان ماهلر» (مانند بلوس) همراه شد، بلافاصله باید گزینه «نوجوانی» را انتخاب کنید؛ زیرا بحران استقلال‌طلبی نوجوان دقیقاً بازتولید روانیِ همان جدا شدنِ فیزیکیِ کودکِ نوپا از آغوش مادر است.

۵۴. گزینه ۲)

موضـوع سـوال: ایـن سـؤال بـه ریشـه‌های فلسـفی و تـاریخی مکاتـب در روان‌شناسـی رشـد می‌پـردازد و تقابـل دو نیـروی «طبیعت/زیست‌شناسی» در برابر «تربیت/اجتماع» را هدف قرار داده است. مفهوم برجسته در این سؤال، دیدگاهی است که سرشـت طبیعی انسان و نیروهای درونی و زیستی را دارای ارجحیت و اصالت می‌داند؛ رویکردی که در تاریخچـه روان‌شناسـی تحـت عنـوان مکتب «رمانتیک‌گرایی» شناخته می‌شود.

پاسخ تشریحی: دیدگاه رمانتیـک‌گرایی (Romanticism) در روان‌شناسـی تحـولی، ریشـه در آرای فلسـفی «ژان ژاک روسـو» (Jean-Jacques Rousseau) دارد. روسو معتقد بود که کودکان ذاتاً پاک، معصوم و دارای ظرفیت‌های طبیعـیِ مثبتـی هسـتند (مفهوم وحشی نیک‌خو یا Noble Savage). بر اساس این نظریه، رشد یک فرایند طبیعی و مبتنی بر «رسـش» (Maturation) زیست‌شناختی است که طبق یک نقشه درونی و ژنتیکی پیش می‌رود. رمانتیک‌گرایان بر این باورند که این نیروهای زیست‌شناختی و طبیعی هستند که مسیر شکوفایی انسان را تعیین می‌کنند و در نقطه مقابل، دخالت‌های بی‌جای «اجتماع» و تمدن را عامل فساد، محدودیت و انحراف از مسیر طبیعی رشد می‌دانند. از این رو، نظریه‌هایی که به محاسن نیروهای طبیعـی در برابـر اجتمـاع اهمیـت می‌دهند، در زمره نظریات رمانتیک قرار می‌گیرند (مانند دیدگاه‌های اولیه گزل یا رویکردهای رسش‌نگر).

رمزگشـایی از ایسـم‌ها و مکاتب:رمانتیـک‌گرایی (Romanticism): مکتبـی فلسـفی کـه طبیعـت انسـان را ذاتـاً پـاک و نیک‌سرشت دانسته و رشد را شکوفایی خودبه‌خودی نیروهای زیستی درونی می‌داند (در تقابل با جبرگرایی محیطی).

بررسی سایر گزینه ها :گزینه (۱) دیالکتیکی: این رویکرد (مانند نظریه ویگوتسکی یا ریگل) بر تضاد و «تعامل» پویای نیروهای متضاد (فرد و جامعه/ درون و بیرون) تأکید دارد و هیچ‌یک را به تنهایی بر دیگری ارجح نمی‌داند، بلکـه رشـد را حاصـل سـنتز ایـن دیالکتیک می‌شمارد.**گزینه (۳) میدانی:** نظریه میدانی کورت لوین (Kurt Lewin) رفتار را تابعی از تعامل فرد و محیط (میـدان روان‌شناختی یا فضای زیستی) در زمان حال می‌داند و تمرکز آن بر نیروهای زیسـتیِ درونـی در برابـر اجتمـاع نیسـت.**گزینـه (۴) تداعی‌نگر:** این رویکرد (ریشه‌دار در فلسفه جان لاک و پایه‌گذار مکتـب رفتـارگرایی) کـودک را «لـوح سـفید» (Tabula Rasa) می‌داند. در این دیدگاه، نیروهای زیستی اهمیتی ندارند و همه‌چیز متأثر از «اجتماع»، محیط و تداعیِ محـرک-پاسـخ اسـت (دقیقـاً نقطه مقابل صورت سؤال).

مکتب فلسفی	نظریه‌پرداز پیشگام	دیدگاه نسبت به کودک	موتور محرک رشد	نقش اجتماع و محیط
رمانتیک‌گرایی	ژان ژاک روسو	وحشی نیک‌خو (سرشت پاک)	رسش و نیروهای زیست‌شناختی	منفی / محدودکننده و فاسدکننده طبیعتِ پاک
تجربه‌گرایی (تداعی‌نگر)	جان لاک	لوح سفید (Tabula Rasa)	تجربه و یادگیری	مثبت و تعیین‌کننده / شکل‌دهنده رفتار و شخصیت
تعاملی / دیالکتیکی	هگل، ویگوتسکی	موجودی فعال در بستر اجتماع	سنتز نیروهای درونی و بیرونی	بستر اصلی و ضروری برای رشد شناختی

راه حل تستی (تله طراح / میان‌بر تستی): در سؤالات تاریخچه و مکاتب رشد، کلیدواژه‌های «طبیعی»، «زیست‌شناختی»، «ذات پاک» و «در برابر اجتماع» همواره باید شما را به یاد **روسو** و مکتب **رمانتیک‌گرایی** بیندازد. تله طراح در گزینه «تداعی‌نگر» نهفته است؛ داوطلبی که سؤال را با بی‌دقتی بخواند ممکن است واژه «اجتماع» را پررنگ دیده و به سمت رفتارگرایی یا تداعی‌گرایی برود، در حالی که صورت سؤال دقیقاً «محاسنِ نیروهای زیستی در برابر اجتماع» (برتری دادن زیست بر محیط) را پرسیده است.

۵۵. گزینه ۳)

موضوع سوال: این سؤال به حوزه رشد شناختی در دوره کودکی اولیه (خردسالی) و ناتوانی کودکان در ارزیابی واقع‌بینانه از ظرفیت‌های ذهنی خود می‌پردازد. خوش‌بینی غیرواقع‌بینانه کودکان خردسال نسبت به توانایی حافظه و یادگیری‌شان، مستقیماً به مفهوم «فراشناخت» (Metacognition) و به‌طور اختصاصی‌تر «فراحافظه» (Metamemory) اشاره دارد. گزینه صحیح نشان می‌دهد که فقدان این توانایی، عامل اصلی چنین خطای ارزیابی است.

پاسخ تشریحی: فراشناخت به معنای «شناختِ شناخت» یا «دانش و آگاهی فرد از فرایندهای تفکر و یادگیری خود» است. این مهارت عالی ذهنی شامل توانایی نظارت، تنظیم و ارزیابی عملکردهای شناختی است. کودکان خردسال (حدود ۲ تا ۶ سال) از نظر رشد فراشناختی در سطح پایینی قرار دارند. یکی از زیرمجموعه‌های فراشناخت، «فراحافظه» است؛ یعنی آگاهی فرد از نحوه کارکرد حافظه‌اش و محدودیت‌های آن. به دلیل **فقدان فراشناخت** تکامل‌یافته، یک کودک پیش‌دبستانی نمی‌تواند دشواری یک تکلیف یادگیری را به درستی تخمین بزند. در نتیجه، کودک دچار نوعی «توهم شایستگی» می‌شود و صادقانه باور دارد که می‌تواند لیست بلندی از کلمات یا تصاویر را در یک نگاه حفظ کند، در حالی که ظرفیت حافظه فعال او بسیار محدود است. با ورود به اواسط دوره کودکی (دوران مدرسه) و رشد فراشناخت، ارزیابی کودکان از توانایی‌هایشان واقع‌بینانه‌تر می‌شود.

رمزگشایی از مفاهیم مرتبط:فراشناخت (Metacognition): توانایی آگاهی یافتن بر فرایندهای ذهنی خود و کنترل آن‌ها (نظارت بر اینکه چقدر می‌فهمیم یا چقدر به یاد می‌آوریم).

بررسی سایر گزینه ها :گزینه (۱) وحدت حواس: این مفهوم (یکپارچگی حسی یا ادراک بین‌وجهی) به توانایی پیوند دادن اطلاعات دریافت شده از دو یا چند حس مختلف (مثل بینایی و شنوایی) اشاره دارد و هیچ ارتباطی با تخمین ظرفیت حافظه یا ارزیابی یادگیری ندارد.**گزینه (۲) دانش درون‌زاد:** رویکرد دانش پایه (Core Knowledge) معتقد است که نوزادان با درک تکاملی و ذاتی از برخی مفاهیم اساسی (مانند قوانین فیزیک پایه یا کمیت) متولد می‌شوند. این گزینه ارتباطی با محدودیت‌های ارزیابی توانایی ذهنی در خردسالی ندارد.**گزینه (۳) استدلال شهودی:** مرحله‌ای در تفکر پیش‌عملیاتی پیاژه است که در آن کودک بر اساس ظاهر پدیده‌ها و احساسات خود استدلال می‌کند نه منطق. اگرچه این ویژگی در خردسالی دیده می‌شود، اما دلیل مستقیمِ «باور به حفظ کردن حجم زیاد مطالب»، فقدان فراشناخت است، نه استدلال شهودی.

مفهوم شناختی	تعریف کاربردی	مثال در رفتار کودک
شناخت (Cognition)	پردازش اطلاعات، یادگیری و حافظه پایه.	کودک نام رنگ‌ها و حیوانات را به خاطر می‌سپارد.
فراشناخت (Metacognition)	آگاهی بر شناخت؛ تفکر درباره تفکر.	دانش‌آموز می‌داند که برای فهم این درس نیاز به مرور دوباره دارد.
فراحافظه (Metamemory)	آگاهی از ظرفیت و استراتژی‌های حافظه خود.	**(فقدان آن در خردسالی):** کودک ادعا می‌کند ۱۰۰ کلمه را با یک بار شنیدن حفظ می‌کند.

راه حل تستی (تله طراح / میان‌بر تستی): در سؤالات روان‌شناسی شناختی و تربیتی، هرگاه در صورت سؤال با مفاهیمی نظیر «ارزیابی فرد از توانایی یادگیری خود»، «آگاهی فرد از محدودیت‌های ذهنی‌اش»، «نظارت بر یادگیری» یا «تفکر درباره تفکر» روبه‌رو شدید، بدون تردید کلیدواژه **«فراشناخت»** (یا فراحافظه) را جستجو کنید. تله طراح در این سؤال استفاده از کلمه جذابِ «استدلال شهودی» است تا داوطلب را به سمت ویژگی‌های عمومی مرحله پیش‌عملیاتی پیاژه منحرف کند، اما ارزیابیِ کمیتِ یادگیری صرفاً یک کارکرد فراشناختی است.

۵۶. گزینه ۲)

موضوع سوال: موضوع این سؤال به مداخلات درمانی و بالینی در حوزه کودکان استثنایی (به‌ویژه اختلال طیف اتیسم) و ریشه‌های نظری این مداخلات اشاره دارد. هسته اصلی سؤال، شناسایی مبانی نظری رویکرد درمانی «ایوار لوواس» (Ivar Lovaas) است که مستقیماً بر پایه اصول شرطی‌سازی و «مکتب یادگیری» (رفتارگرایی) بنا شده است.

پاسخ تشریحی: در نیمه دوم قرن بیستم، دکتر ایوار لوواس، روان‌شناس بالینی، رویکردی نوین و ساختاریافته برای درمان کودکان مبتلا به اتیسم معرفی کرد که امروزه با عنوان **«تحلیل رفتار کاربردی» (ABA: Applied Behavior Analysis)** شناخته می‌شود. روش درمانی لوواس (که گاهی مداخله زودهنگام رفتاری فشرده یا EIBI نامیده می‌شود) کاملاً برخاسته از **مکتب یادگیری** و به‌طور مشخص‌تر، رویکرد «رفتارگرایی عامل» (اسکینر) است. در این روش، از اصول اساسی یادگیری مانند «تقویت مثبت»، «شکل‌دهی» (Shaping) و «خاموشی» برای آموزش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی و کاهش رفتارهای کلیشه‌ای و خودآسیب‌رسان در کودکان اتیستیک استفاده می‌شود. لوواس معتقد بود که رفتار کودکان اتیستیک، مانند هر انسان دیگری، تابع قوانین یادگیری است و با دستکاری محیط و پیامدها می‌توان آن را تغییر داد.

رمزگشایی از مکاتب و نظریه‌پردازان:مکتب یادگیری (Learning Perspective / Behaviorism): مکتبی که بر نقش مسلط محیط، تجربیات و اصول شرطی‌سازی (کلاسیک و عامل) در شکل‌گیری رفتار تأکید دارد و مفاهیم ذهنی و ناهشیار را نادیده می‌گیرد.**ایوار لوواس (Ivar Lovaas):** پیشگام استفاده از روش‌های رفتاردرمانی فشرده (ABA) برای مداخله در اختلال طیف اتیسم.

بررسی سایر گزینه ها :گزینه (۱) انسان‌گرایی: این مکتب (با چهره‌هایی چون راجرز و مزلو) بر اراده آزاد، رشد استعدادها و خودشکوفایی تأکید دارد و روش‌های آن معمولاً فاقد ساختار خشک و تکنیک‌های کنترل رفتاری مورد نیاز برای آموزش کودکان مبتلا به اتیسم شدید (در پارادایم لوواس) است.**گزینه (۳) شناخت اجتماعی:** نظریه بندورا بر یادگیری مشاهده‌ای و نقش فرایندهای شناختی (مثل خودکارآمدی) تأکید دارد. اگرچه این دیدگاه به یادگیری مرتبط است، اما روش لوواس بر پایه «شرطی‌سازی عامل» (یادگیری رفتاری محض و پیامدمحور) استوار بود، نه مؤلفه‌های شناختی.**گزینه (۴) روابط شئ:** این رویکرد، شاخه‌ای از روان‌کاوی است (مانند نظریات ماهلر) که بر نقش روابط اولیه کودک با مراقب در شکل‌گیری ناهنجاری‌ها تمرکز دارد و روش‌های آن کاملاً با مداخلات ملموسِ رفتاری متفاوت است.

رویکرد درمانی به اتیسم	نظریه‌پرداز شاخص	مکتب پایه	تمرکز مداخله
تحلیل رفتار کاربردی (ABA)	ایوار لوواس	مکتب یادگیری (رفتارگرایی عامل)	اصلاح رفتار از طریق تقویت، پاداش و شرطی‌سازی
رویکرد روان‌کاوی (منسوخ)	برونو بتلهایم	روان‌پویشی / روابط شئ	حل تعارضات عاطفی و تمرکز بر پویایی خانواده
رویکرد زیستی-عصبی	پژوهشگران معاصر	عصب‌روان‌شناسی	تأکید بر تفاوت‌های مغزی، ژنتیک و مداخلات توانبخشی

راه حل تستی (تله طراح / میان‌بر تستی): در تست‌های روان‌شناسی مرضی و کودکان استثنایی، کلیدواژه‌های **«لـوواس» (Lovaas)** و **«ABA»** همواره و بدون استثنا به **«رفتارگرایی»**، **«شرطی‌سازی عامل»** و **«مکتب یادگیری»** گره خورده‌اند. در مقابل، دانستن این نکته ضروری است که اگر نام «برونو بتلهایم» در سؤال مطرح می‌شد، باید بلافاصله به سراغ گزینه‌هایی با ریشه روان‌کاوی و پدیدارشناسی می‌رفتید. این تقابل تاریخی سریع‌ترین میان‌بر برای رسیدن به پاسخ است.

۵۷. گزینه ۳)

موضوع سوال: این سؤال به مراحل رشد روانی-اجتماعی در نظریه «اریک اریکسون» (Erik Erikson)، به‌ویژه مراحل ششم (جوانی) و هفتم (میانسالی) اشاره دارد. هسته اصلی سؤال بر ارتباط تنگاتنگ میان «صمیمیت» و «زایندگی» متمرکز است. اریکسون معتقد بود که ازدواج یا شراکت زندگی اگر به احساس مسئولیت در قبال نسل آینده (زایندگی) ختم نشود، نشان‌دهنده نقص در مرحله پیشین و وجود نوعی «صمیمیت کاذب» (Pseudointimacy) است.

پاسخ تشریحی: در رویکرد روانی-اجتماعی اریکسون، مرحله هفتم رشد (میانسالی) با بحران «زایندگی در برابر رکود» (Generativity vs. Stagnation) مشخص می‌شود. زایندگی به معنای هدایت، پرورش نسل بعد، تولید و مشارکت سازنده در جامعه است. اریکسون هشدار می‌دهد که موفقیت در این مرحله، نیازمند عبور موفقیت‌آمیز از مرحله قبل، یعنی «صمیمیت در برابر انزوا» در دوران جوانی است. به باور اریکسون، اگر افرادی ازدواج کنند اما رابطه آن‌ها تنها به ارضای نیازهای شخصی تقلیل یابد و هیچ‌گونه زایندگی (اعم از فرزندپروری، خلق آثار یا کمک به جامعه) از آن حاصل نشود، در واقع به صمیمیت واقعی دست نیافته‌اند. رابطه چنین زوج‌هایی صرفاً یک «صمیمیت کاذب» است که در آن، دو نفر با خودفرو رفتگی متقابل (Mutual Self-absorption) تنها به دنبال منافع فردی هستند و از پذیرش مسئولیت‌های بالغانه در قبال جهان پیرامون می‌گریزند.

رمزگشایی از ایسم‌ها و نظریه‌پردازان:اریک اریکسون (Erik Erikson): پایه‌گذار نظریه رشد روانی-اجتماعی که رشد انسان را از تولد تا مرگ در هشت مرحله (بر پایه اصل اپی‌ژنتیک و تعامل من با اجتماع) تبیین کرد.**زایندگی (Generativity):** دغدغه و تلاش برای تثبیت و هدایت نسل آینده؛ نماد بلوغ کامل روانی و اجتماعی در میانسالی.

بررسی سایر گزینه ها :گزینه (۱) اضطراب اخلاقی: این مفهوم متعلق به رویکرد روان‌کاوی کلاسیک فروید (Freud) است و زمانی رخ می‌دهد که «فراخود» (Superego) فرد را به دلیل افکار یا اعمال مغایر با وجدان تهدید می‌کند؛ لذا ارتباطی با بحران میانسالی اریکسون ندارد.**گزینه (۲) گسلش عاطفی:** اگرچه میانسالانِ فاقد زایندگی دچار خودفرو رفتگی و رکود می‌شوند، اما اصطلاح تخصصی اریکسون برای ازدواج‌های بدون دستاورد و غیرزایا، «صمیمیت کاذب» است. گسلش عاطفی بیشتر به ناتوانی در برقراری دلبستگی در مراحل اولیه رشد بازمی‌گردد.**گزینه (۴) خودشیفتگی اجتماعی:** این اصطلاح یک مفهوم جامعه‌شناختی-شخصیتی است و در واژه‌نامه تخصصی مراحل هشت‌گانه اریکسون جایگاهی برای تبیین بحران زایندگی ندارد.

مرحله رشدی اریکسون	سن تقریبی	تعارض (بحران) روانی- اجتماعی	پیامد مثبت (فضیلت)	پیامد منفی (شکست در مرحله)
جوانی (مرحله ۶)	۲۰ تا ۴۰ سالگی	صمیمیت در برابر انزوا	عشق	انزوا و **صمیمیت کاذب**
میانسالی (مرحله ۷)	۴۰ تا ۶۵ سالگی	زایندگی در برابر رکود	مراقبت (Care)	خودفرو رفتگی، رکود و بی‌ثمری
پیری (مرحله ۸)	۶۵ سالگی به بعد	انسجام من در برابر ناامیدی	خردمندی (Wisdom)	یأس، ناامیدی و انزجار

راه حل تستی (تله طراح / میان‌بر تستی): در تست‌های مربوط به نظریه اریکسون، قانون «پیوستگی مراحل» (Epigenetic Principle) یک میان‌بر طلایی است. شکست در یک مرحله (مثل زایندگی در میانسالی)، ریشه در حل ناقص بحران مرحله قبل (صمیمیت در جوانی) دارد. طراح با قرار دادن عبارت «حتی پس از ازدواج» در صورت سؤال، دقیقاً به مفهوم «صمیمیت» اشاره کرده است. بنابراین، ازدواجِ بدون زایندگی = صمیمیتِ حل‌نشده و غیرواقعی = صمیمیت کاذب.

۵۸. گزینه ۴)

موضوع سوال: این سؤال به بررسی ریشه‌های فلسفی و نظری مداخلات بالینی در تاریخچه روان‌شناسی رشد (به‌ویژه در درمان اتیسم) می‌پردازد. هسته مرکزی سؤال، تبیین رویکرد «برونو بتلهایم» است که بر خلاف روش‌های عینی و رفتاری، بر درک جهان درونی، تجربه ذهنی و احساسات پنهان کودک استوار بود؛ رویکردی که در روان‌شناسی با مفروضات مکتب «پدیدارشناسی» (Phenomenology) پیوند عمیقی دارد.

پاسخ تشریحی: برونو بتلهایم (Bruno Bettelheim)، روان‌کاو برجسته، دیدگاهی روان‌پویشی به اتیسم داشت و در دهه‌های میانی قرن بیستم، علت این اختلال را طرد عاطفی کودک از سوی محیط و خانواده (مفهوم منسوخ و رد شده‌ی «مادران یخچالی») می‌دانست. بتلهایم در کلینیک خود (مدرسه ارتوژنیک)، شیوه‌ای از درمان را پایه‌گذاری کرد که کاملاً متکی بر شناخت «تجربه ذهنی و درونی» کودک از جهان پیرامون بود. در مکتب **پدیدارشناسی**، فرض بر این است که رفتار انسان را تنها می‌توان از طریق دریچه نگاه و ادراک شخصی او (Subjective Experience) فهمید. بتلهایم معتقد بود رفتارهای عجیب و انزواطلبانه کودک اتیستیک، واکنش‌هایی کاملاً معنادار به دنیایی است که کودک آن را خصمانه و نابودگر «ادراک» می‌کند. بنابراین، درمانگر پدیدارشناس به جای تغییر ظاهری رفتار، تلاش می‌کند وارد جهان پدیدارشناختی (ادراکی) کودک شود و با فراهم کردن یک محیط امن و پذیرنده، به او کمک کند تا تجربه ذهنی و معنای جهان را برای خود بازسازی کند.

رمزگشایی از ایسم‌ها و نظریه‌پردازان:مکتب پدیدارشناسی (Phenomenology): رویکردی در فلسفه و روان‌شناسی که واقعیت عینی را در درجه دوم اهمیت قرار داده و تأکید می‌کند که واقعیتِ حقیقی، همان چیزی است که فرد در آگاهی و تجربه ذهنی خود از پدیده‌ها درک می‌کند.**برونو بتلهایم:** روان‌کاوی که درمان اتیسم را نه از طریق شرطی‌سازی، بلکه از طریق همدلی پدیدارشناختی و ورود به دنیای روانی کودک دنبال می‌کرد.

بررسی سایر گزینه ها :گزینه (۱) تکامل نگری (Evolutionary): این رویکرد (مانند کار جان بالبی در نظریه دلبستگی) بر ارزش انطباقی و بقای رفتارها در طول تاریخ تکامل تأکید دارد و ارتباطی با روش درمانی بتلهایم برای اتیسم ندارد.**گزینه (۲) دیالکتیکی:** این مکتب بر تعامل نیروهای متضاد و سنتز آن‌ها تأکید دارد (مانند نظریه ویگوتسکی یا ریگل) و متمرکز بر تجربه ذهنی محض و پدیدارشناختی فرد نیست.**گزینه (۳) رفتارگرایی:** این مکتب دقیقاً نقطه مقابل رویکرد بتلهایم است. رفتارگرایان (مانند لوواس در روش ABA) صرفاً بر رفتارهای قابل مشاهده و شرطی‌سازی تمرکز دارند و جهان ذهنی و پدیدارشناختی کودک را نادیده می‌گیرند.

مؤلفه مقایسه‌ای	رویکرد برونو بتلهایم	رویکرد ایوار لوواس
مکتب فکری و پایه نظری	روان‌پویشی / **پدیدارشناسی**	**یادگیری** / رفتارگرایی عامل
تمرکز اصلی درمان	درک تجربه ذهنی و جهان درونی کودک	تغییر رفتارهای عینی و قابل مشاهده
علت‌شناسی (تاریخی)	محیط خصمانه و طردکننده (مادر یخچالی)	نقص در فرایندهای یادگیری و ارتباطی
روش و تکنیک درمانی	محیط کاملاً پذیرنده، همدلی و روان‌درمانی	شرطی‌سازی، تقویت مثبت و خاموشی (ABA)

۵۹. گزینه ۲)

موضوع سوال: این سؤال به الگوهای کلان (پارادایم‌های) فلسفی در روان‌شناسی رشد می‌پردازد. در تاریخچه روان‌شناسی تحولی، دیدگاه‌های نظریه‌پردازان معمولاً در یکی از سه الگوی اصلی ماشین‌انگارانه (مکانیسمی)، ارگانیسمی، یا زمینه‌ای/دیالکتیکی طبقه‌بندی می‌شوند. ژان ژاک روسو که به اصالت طبیعت درونی کودک معتقد بود، پایه‌گذار اصلی «الگوی ارگانیسمی» (Organismic Model) در روان‌شناسی رشد محسوب می‌شود.

پاسخ تشریحی: بر اساس آرای ژان ژاک روسو، کودک مانند یک دانه گیاه است که در درون خود یک طرح و نقشه ژنتیکی و طبیعی برای رشد دارد. در **الگوی ارگانیسمی**، انسان‌ها موجوداتی «فعال»، زنده و خودانگیخته هستند که مسیر رشد آن‌ها توسط نیروهای درونی و رسش (Maturation) بیولوژیک هدایت می‌شود، نه توسط محرک‌های محیطی. در این الگو، رشد ماهیتی «کیفی» و مرحله‌ای دارد. از آنجایی که روسو معتقد بود کودک ذاتاً پاک است و طبق یک برنامه طبیعی درونی شکوفا می‌شود (همان مکتب رمانتیک‌گرایی که در سؤال ۷۹ بررسی شد)، نظریه او دقیقاً منطبق بر پیش‌فرض‌های الگوی ارگانیسمی است. پیاژه نیز بعدها نظریه رشد شناختی خود را بر پایه همین الگوی ارگانیسمی استوار کرد.

بررسی سایر گزینه ها :گزینه (۱) دیالکتیکی: این الگو (متأثر از هگل و مارکس) رشد را حاصل تضادها و تعامل پویای فرد و بستر تاریخی-فرهنگی می‌داند (مثل نظریه ویگوتسکی) و استعاره آن دیالوگ یا تضاد است، نه شکوفایی ارگانیک درونی.**گزینه (۳) کردارشناسی:** کردارشناسی (اتولوژی) رویکردی تکاملی است که رفتار را از منظر ارزش بقا بررسی می‌کند (مثل نظریه دلبستگی بالبی). اگرچه این دیدگاه نیز ریشه‌های زیستی دارد، اما الگوی کلان فلسفی روسو ارگانیسمی است، نه کردارشناسی.**گزینه (۴) رفتارگرایی:** این مکتب بر الگوی «ماشین‌انگارانه» (Mechanistic) استوار است که ریشه در آرای جان لاک دارد. در این الگو، کودک موجودی منفعل است که توسط محیط شرطی می‌شود؛ دیدگاهی که دقیقاً در نقطه مقابل فلسفه روسو قرار دارد.

راه حل تستی (تله طراح / میان‌بر تستی): در تست‌های بنیادین روان‌شناسی رشد، یک قانون تقابل همیشگی وجود دارد: **«روسو = فعال = ارگانیسمی = کیفی و مرحله‌ای»** در برابر **«جان لاک = منفعل = ماشین‌انگارانه/رفتارگرایی = کمی و پیوسته»**. با حفظ کردن این دو زنجیره مفهومی، می‌توانید به سرعت پاسخ صحیح را در سؤالات مربوط به الگوهای تحولی و تاریخچه رشد بیابید و در دام گزینه‌های فریبنده‌ای مثل رفتارگرایی نیفتید.

۶۰. گزینه ۱)

موضوع سوال: این سؤال به یکی از مهم‌ترین نظریه‌های رشد در گستره بزرگسالی، یعنی نظریه «فصول زندگی» اثر «دانیل لوینسون» (Daniel Levinson) می‌پردازد. هسته اصلی سؤال، شناسایی تکالیف روانی و تعارض‌های درونی (قطبیت‌ها) در دوره «گذار میانسالی» (سنین ۴۰ تا ۴۵ سالگی) است که فرد باید برای دستیابی به یک ساختار زندگی یکپارچه‌تر، آن‌ها را حل‌وفصل کند. گزینه صحیح به یکی از این چهار قطبیت بنیادین اشاره دارد.

پاسخ تشریحی: دانیل لوینسون معتقد بود که رشد بزرگسالی شامل دوره‌های متناوبی از «ساختن» و «گذار» (بحران) است. در دوره گذار میانسالی، فرد ساختار زندگی گذشته خود را ارزیابی کرده و برای ورود به مرحله جدید، باید چهار تکلیف رشدی یا

درسنامه مروری روان شناسی رشد

۱. الگوهای کلان و تاریخچه روان‌شناسی رشد

- **مکتب رمانتیک‌گرایی و الگوی ارگانیسمی:** ژان ژاک روسو (Jean-Jacques Rousseau) پایه‌گذار الگوی ارگانیسمی است. این دیدگاه انسان را موجودی فعال و دارای سرشت طبیعی پاک (وحشی نیک‌خو) می‌داند که موتور محرک رشد او، **نیروهای زیست‌شناختی و رسش** است. این رویکرد در تقابل با جبرگرایی و نقش شکل‌دهنده اجتماع (تجربه‌گرایی جان لاک) قرار دارد و رشد را فرایندی کیفی، مرحله‌ای و از درون هدایت‌شونده می‌داند.
- **نظریه رسش آرنولد گزل:** گزل با تأکید بر پایه‌های زیستی، اصول سازمان‌دهی رفتار را تبیین کرد. اصل **هم‌آمیزی تقابلی** در این نظریه بیانگر هماهنگی تدریجی دو گرایش متضاد (مانند استفاده متناوب از سمت چپ و راست بدن یا عضلات متقابل) برای دستیابی به یک سازماندهی مؤثر و یکپارچه حرکتی است.

۲. رویکردهای شناختی (پیاژه، هوش و فراشناخت)

- **استدلال انتقالی (Transductive):** ویژگی بارز تفکر در مرحله پیش‌عملیاتی پیاژه است. کودک به جای تفکر منطقی (استقرایی یا قیاسی)، از جزء به جزء استدلال می‌کند و بین دو رویداد خاص و نامرتبط که هم‌زمان رخ داده‌اند، رابطه علت و معلولی برقرار می‌سازد.
- **طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی:** توانایی تمرکز هم‌زمان بر کل و جزء (شمول طبقات) که نشان‌دهنده رهایی از تمرکزگرایی است و منحصراً از دستاوردهای مرحله **عملیات عینی** محسوب می‌شود.
- **ناهمترازی افقی (رشد درون‌مرحله‌ای):** ناتوانی موقت کودک در تعمیم دادن یک قانون منطقی به تمام موقعیت‌ها. در این حالت، تسلط بر مفاهیم منطقیِ هم‌سطح (مانند نگهداری طول، سپس وزن و حجم) به‌صورت تدریجی و در طول یک مرحله شناختی واحد رخ می‌دهد.
- **فراشناخت و فراحافظه:** فقدان فراشناخت (آگاهی بر فرایندهای ذهنی) در دوره خردسالی باعث می‌شود کودک محدودیت‌های ذهنی خود را نشناسد و در ارزیابی توانایی خود برای به خاطرسپاری حجم زیادی از مطالب دچار توهم شایستگی و خوش‌بینی مفرط شود.
- **هوش متبلور (Crystallized):** در نظریه کتل و هورن، این نوع هوش بازتاب‌دهنده دانش انباشته، یادگیری فرهنگی و گنجینه واژگان فرد است. تکالیفی نظیر یافتن مترادف یک واژه، سنجشگر مستقیم این هوش هستند که تا دوران پیری به رشد یا ثبات خود ادامه می‌دهد.

۳. رویکرد اجتماعی-فرهنگی ویگوتسکی

- **حیطه تقریبی رشد (ZPD) و مشارکت توأم با رهنمود:** مفهوم «مشارکت توأم با رهنمود» اثر باربارا راگوف، شکل عملیاتی‌شده ZPD است. در این فرایند، یادگیری نیازمند تعامل با فردی تواناتر است که از طریق داربست‌سازی و هدایت، کودک را در فعالیت‌های معنادار فرهنگی مشارکت می‌دهد.
- **مراحل رشد زبان:** ویگوتسکی گفتار را به سه مرحله اجتماعی، خودمدارانه و درونی تقسیم کرد. ویژگی بارز زبان در **مرحله دوم**، گفتار **خودمدارانه** (تفکر با صدای بلند) است که کودک از آن نه برای ارتباط، بلکه برای تنظیم، هدایت و کنترل رفتار خود استفاده می‌کند.

۴. رویکردهای روان‌تحلیل‌گری و روابط شئ

- **مرحله نزدیکی‌خواهی (Rapprochement):** در نظریه تفرد-جدایی مارگارت ماهلر، این مرحله (۱۵ تا ۲۴ ماهگی) مقطعی است که کودک به محدودیت‌ها و جدایی خود از مادر آگاه می‌شود. این آگاهی به فروپاشی احساس قدرت مطلق و بروز شدیدترین سطح **اضطراب جدایی** و رفتارهای دوسوگرا می‌انجامد.
- **دومین تفرد-جدایی:** پیتر بلوس (از پیروان رویکرد ماهلر) این مفهوم را برای بحران‌های هویتی و استقلال‌طلبی دوران **نوجوانی** ابداع کرد؛ دورانی که فرد باید پیوندهای وابستگی درونی به والدین را قطع کرده و به خودمختاری روانی دست یابد.

۵. رشد روانی-اجتماعی در گستره عمر

- **رشد ایمان:** هسته مرکزی و محور اصلی نظریه تحولی جیمز فاولر (James Fowler) است.